

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ می ۲۰۲۴

واقعیت های پنهان در عقب ادعاهای فریبنده!

(۶)

جمعه- ۲۸ ثور ۱۴۰۳ - کابل:

عکس العمل ها در قبال خیزش اعتراضی مردم:

از آن جایی که خیزش های اعتراضی اخیر در ولسوالی های بدخشان در نوع خود حد اقل در زمان حاکمیت طالبان اگر نگوئیم بی سابقه، کم سابقه بود، باعث بروز عکس العمل های متفاوت نیز گردید یعنی به موازات آن که نظام ملا سالار را تکان داد و در کنار اعزام هیأت مصالحه، نیروهای نظامی اش را در منطقه با افراد غیر بومی تقویت بیشتر نمود، کاسیکاران سیاسی را از بقایای "باند ربانی- مسعود" گرفته تا "باند گلبدین" و از "تجزیه طلبان خراسانی" گرفته تا "ادعش" را نیز وادار به ابراز عکس العمل ساخت.

آنچه تمام روند از آغاز اعتراضات گرفته، تا ابراز حمایت، ارائه رهنمود و حتا عملیات انفجاری گویا به حمایت از خیزش اعتراضی مردم، نشان داد، عدم پیوند و وابستگی خیزش اعتراضی به هیچ یک از مدعیان و حامیان حرکت مردم بود. این عدم وابستگی اگر از جانبی مبین انفجار مردم است از سوی دیگر سیلی محکمی بود بر دهان و رخسار طالبان شرمندوک و دیده در آن که بر هر حرکتی مهر و ابستگی زده، بدان بهانه حمایت شان را از نظام ملا سالار گاه در لافقه و زمانی هم به صورت آشکار اعلام می دارند.

آنچه در این قسمت می تواند حایز اهمیت است، مطالعه چگونگی برخورد نظام ملا سالار با این خیزش و خیزش های احتمالی آینده می باشد. تا جایی که انعکاس قضیه در رسانه ها بر می آید و دوستانی که در روز های اخیر از بدخشان به کابل آمده اند قصه می کنند، برخورد طالب نسبت به این قضیه در عین نمایش خشونت و از آن زاویه اجتناب از عقب نشینی، بسیار زیرکانه بود. یعنی در عین حالی که نیروهای تازه نفس و قصابان معروف خود را وارد صحنه نمود تا زور بازویش را به نمایش بگذارد، با اعزام مولوی "فصیح الدین" که اصلاً از متولدین بدخشان و از لحاظ قومی و تباری، با معترضان از یک تبار می باشد، درب مصالحه را کشوده با انتقال آن عده از طالبانی که با مردم بدرقتاری نموده بودند به نقاط دیگر کشور، ظاهراً به خواست مردم تمکین نموده، عملاً نه تنها از گسترش اعتراضات که مخالفان طالب امیدوار بدان بودند جلوگیری کردند، بلکه بر خود اعتراض نیز نقطه پایان گذاشتند.

هموطنان گرامی!

هرگاه فکر کنیم که با خاموش شدن اعتراضات همه چیز روال عادی خود را پیدا خواهد نمود، آینده نشان خواهد داد که چنین تفکر و تصویری کاملاً اشتباه بوده است. زیرا:

الف- تا جایی که به طالب بر می گردد، آنها به مثابه یک نیروی انحصارگر و سفاک به هیچ وجه این خیزش اعتراضی را فراموش نخواهند نمود فقط برخوردشان خلاف باند های خلق و پرچم که با تکیه بر "پیمان وارسا" به گفته خودشان "مگس مخالفت و اعتراض را با توپ انقلاب می زدند"، عجالتاً به جای برخورد نظامی، به امید برخورد امنیتی- استخباراتی در آینده، گویا مصالحه نمودند.

در همین مبحث بیجا نخواهد بود اندکی به تفاوت بین برخوردنظامی و برخورد امنیتی- استخباراتی نیز اشاره نمایم. برخوردنظامی کاملاً روشن واضح است یعنی طرفین و یا یکی از آنها به جای صحبت و خریدن زمان، بر توپ و تفنگش تکیه نموده، بدون در نظر داشت عواقب ابراز خشونت می خواهد همچو اعتراض هائی را به زور سرنیزه خاموش نماید. در برخورد امنیتی- استخباراتی، گاهی هر دو طرف و زمانی هم یکی از طرفها- بیشتر طرف زورمند- در عین حالی که درب مذاکره و تفاهم و حتا عقب نشینی را باز می گذارد، می کوشد تا افراد و حتا جریانهای مؤثر را در تمام اعتراض شناسائی کند تا در آینده آنها را تطمیع و در غیر آن مخفیانه سرکوب و نابود نماید.

تا جایی که روند حاکمیت حدود سه سال حاکمیت طالب نشان می دهد، آنها به غیر از روز های نخستین و سرکوب قهری "مسعودی" ها، در بقیه موارد چه در شهرها و ولایات و چه هم در روستا ها، بر برخورد امنیتی- استخباراتی تکیه نموده، کشتن بیش از ۱۰۰۰ تن از مخالفان بالقوه بدون درگیری و مخفیانه در سراسر افغانستان دلیلی محکم بر اثبات این ادعا می باشد.

ب- و اما به ارتباط مردم. یک نکته مسلم است چنین اعتراضاتی چه با برخورد خشن نظامی سرکوب گردند چه هم با برخوردهای امنیتی- استخباراتی و ادار به خاموشی گردند، تا زمانی که اصل عوامل خیزش ها از بین نروند؛ یعنی نظام ملاسالار در سیاست های ضد ملی و ضد کرامت انسانی و ضد دموکراتیک شان در زمینه های اقتصاد، فرهنگ، روابط اجتماعی و سیستم اداری خود تغییرات اساسی وارد ننمایند و به مردم بیش از این به مثابه انسانهای درجه دو و بردگان ملک مفتوحه نظر نیندازند و به آنها حقوق و آزادی های انسانی و دموکراتیک شان را باز نگردانند، چنین اعتراضاتی می تواند در هر گوشه و کنار افغانستان رخ داده سرانجام طالب و نظام ملاسالار را در دریای خشم مردم غرق نماید.

هموطنان گرامی!

این که طالب ادعا دارد که گویا علت خیزش اعتراضی مردم، امتناع آنها از سیاست مبارزه علیه مواد مخدر طالب و کشت خشکاش بوده، حتا اگر این ادعا درست هم باشد، از موضع حاکمیت نظام ملاسالار وظیفه دارد قبل از آن که کشت یک زارع فقیر را ویران کند و وی را به خاک سیاه گرسنگی و فقر بنشانند نخست کشت بدیل را در ختیارش قرار دهد و در ثانی با تجدید نظر در مورد اراضی لامالک للمی، امکان زیست و تغذیه را از مردم نگیرد. در غیر آن سؤال چرا باید کشت خشکاش منع شود، مطرح می گردد که امیدوارم در آینده بدان برگردم.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!